



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

## مبانی اخلاقی حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی

استاد راهنما:

دکتر بهزاد رضوی فرد

استادان مشاور:

مشاور اول: دکتر محمدرضا ویژه

مشاور دوم: دکتر سیدقاسم زمانی

نگارش:

علیرضا بودش

پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد حقوق بشر

بهمن ماه ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تشکر و قدردانی

بر خود لازم، بل واجب می‌دانم نهایت تشکر و امتنان قلبی خویش را از تمامی استادان فرهیخته و بزرگواری که در طول دوران تحصیل از تعلیمات بی‌بدیل و محضر بی‌نظیرشان بهره‌مند گردیدم - چه آنانکه هنوز بر مسند تدریسند و بر کرسی خطابه می‌نشینند و چه آنانکه بر اثر حوادث ایام مدرس تعلیم و مفرش تعلّم را وا نهاده‌اند - متواضعانه ابراز نمایم.

همچنین سپاس خاصّه خویش را در طی طریق این تحقیق از راهنمایی و مشاورت عالمانه استادان ارجمند جناب آقایان دکتر بهزاد رضوی فرد، دکتر محمدرضا ویژه و دکتر سید قاسم زمانی و داوری محققانه سرکار خانم دکتر هدی عفراری در جلسه دفاعیه و فرجام کار اظهار نموده، مزید توفیق جمیع ایشان را در خدمات خودپسند فرهنگی از پروردگار عالم مسئلت می‌نمایم.

از جناب آقای اکبر محمدیان، مسئول محترم واحد انتشارات دانشگاه که با سعه صدر، زحمت تایپ و غلط‌گیری چندباره این مجموعه را تقبل نمودند، نیز کمال قدردانی را دارم.

تقدیم به:

# قربانیان نقض حقوق بشر

در جای جای جهان، هستی.

# فهرست اجمالی مطالب

- چکیده..... ۱
- مقدمه..... ۲

## بخش اول: مبانی اخلاقی حقوق بشر عرفی

- مقدمه..... ۱۴
- فصل اول: مفاهیم..... ۱۵
- مبحث اول: معنای حق..... ۱۵
- مبحث دوم: مفهوم حق..... ۱۶
- مبحث سوم: تحلیل ماهیت حق..... ۲۰
- فصل دوم: مبانی..... ۲۵
- مبحث اول: کرامت انسانی..... ۲۵
- مبحث دوم: عقل گرایی علم محور..... ۳۰
- مبحث سوم: فردگرایی..... ۳۳
- مبحث چهارم: نظریه حقوق طبیعی..... ۳۴
- مبحث پنجم: نظریه قراردادگرایی در حقوق بشر عرفی..... ۴۳
- مبحث ششم: نظریه سودانگار..... ۴۶
- فصل سوم: مناشئ، منابع و اسناد حقوق بشر عرفی..... ۴۸
- مبحث اول: مناشئ و منابع حق در حقوق بشر عرفی..... ۴۸
- مبحث دوم: اسناد حقوق بشر عرفی..... ۴۹

## بخش دوم: مبانی اخلاقی حقوق بشر اسلامی

- مقدمه..... ۵۴
- فصل اول: مفاهیم..... ۵۶
- مبحث اول: معنای حق..... ۵۶
- مبحث دوم: تحلیل ماهیت حق..... ۶۲

۶۴	مبحث سوم: فلسفه حق در حقوق بشر اسلامی
۶۶	فصل دوم: مبانی
۶۶	مبحث اول: کرامت انسانی در اسلام
۷۰	مبحث دوم: حقوق طبیعی در اسلام
۷۳	مبحث سوم: اصول موضوعه حقوق بشر اسلامی
۸۵	فصل سوم: مناشئ، منابع و اسناد حقوق بشر اسلامی
۸۵	مبحث اول: مناشئ و منابع حق در حقوق بشر اسلامی
۸۸	مبحث دوم: اسناد حقوق بشر اسلامی

### بخش سوم: بررسی حق‌های بنیادین و قواعد حقوقی

۹۰	مقدمه
۹۲	فصل اول: بررسی حق‌های بنیادین در نظام حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی
۹۲	مبحث اول: حیات
۹۶	مبحث دوم: آزادی
۱۰۵	مبحث سوم: برابری
۱۰۸	مبحث چهارم: مالکیت
۱۱۰	فصل دوم: بررسی تطبیقی اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی حقوق بشر
۱۱۰	مبحث اول: مقایسه و تطبیق اجمالی مواد اعلامیه جهانی با اعلامیه اسلامی
۱۲۹	مبحث دوم: وجوه اشتراک و افتراق قواعد اعلامیه جهانی و اعلامیه اسلامی حقوق بشر
۱۳۲	نتیجه‌گیری

## چکیده

این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی مبانی اخلاقی حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی، غیردینی و سکولار را مورد مذاقه قرار داده و به منظور شفاف سازی این مبانی به مطالعه مفاهیم، مبانی، مناشئ، منابع و اسناد حق در این دو نظام حقوقی پرداخته است و با بررسی چهار حق بنیادین بشری حیات، آزادی، برابری و مالکیت و تطبیق و مقایسه مواد دو اعلامیه اسلامی و جهانی حقوق بشر، تا حدود زیادی قواعد و حق‌های بنیادین بشری مندرج در این دو سند را قابل مطابقت یافته و با وجود اختلاف در مفهوم کرامت انسانی و افتراق در مبانی اخلاقی حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی که به ترتیب در اولی خدامحورانه و در دومی فردمحورانه می‌باشد، در هر دوی این منظومه‌های حقوقی به حقوق تا حدودی یکسان و مشابه رسیده است و با توجه نمودن به اصل اسلامی کرامت انسان و مفهوم عدالت در قرآن و قاعده طلایی اخلاق چشم انداز دستیابی به یک نظام حقوق بشری فراگیر و جهانشمول را با مبنای الهی و اسلامی ترسیم نموده است.

**واژگان کلیدی:** مبانی اخلاقی، حقوق بشر اسلامی، حقوق بشر عرفی، کرامت انسانی.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْمَدَدُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

### و صَلَّى اللَّهُ عَلَى فَيْرِ فُلْقَه، وَ فَاتَمَ رَسَلَهُ، مَمْدُودِ (ص) وَ آلِهِ

#### مقدمه

جمال مبارک و نورانی حقیقت حقوق بنیادین بشر، اصیلترین، جاودانه‌ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمیست که سلسله عالمان صادق و مؤمنان مصدق و عارفان صدیق و صوفیان صدیق و صالحان صدوق چه جانها که در راهش نباخته و چه سرها که در پایش نداده‌اند؛ و شریعت شناسان خدانشناس و خداشناسان شریعت ناشناس و دین شناسان ناپارسای و پارسایان دین ناشناس و دنیاطلبان دین فروش چه گندم نمایی‌ها و جو فروشی‌ها و توطئه‌ها و ترفندها و درازدستی‌ها و کوتاه آستینی‌ها که برای محو و مسخ و نسخ و فسخ آن نساخته و نپرداخته‌اند. چه تلخ واقعیتی است مظلومیت این حقیقت و چه شیرین حقیقتی است مقبولیت این واقعیت که در مصاف همیشگی حق و باطل در تاریخ انسان، حقیقت، سربلند و سرفراز و باطل از بین رفتنی و نگون‌سار خواهد بود.<sup>۱</sup> این والا و بالانشینی حَقَانِیْتِ جوهرِ حَقِّهِ حقوق بشر، گذشته از واقعیتِ گوهرِ حقوقِ حَقِّهِ بشر، وامدار و رهین تأملات و تعلّمات خالصانه و مخلصانه حق جویانی است که در آسمان ایمن نظر و وادی ایمن عمل کریمانه گام زده و موسی‌وار از دام و دانه فرعونیان رسته، نیل تاریک و ظلمانی حقوق بشر عرفی را با عصا و ید بیضا و نورانی حقوق بشر دینی شکافته‌اند و چشمه‌های معارف اخلاقی و حقوقی انسانی و الهی را از دل کوه‌های سخت و زفت اما سست و بی بنیاد عرفی‌گری روان ساخته، پایان دولت سحر مدت لایبسیته را نوید داده، بند از پای لیلای عدالت گشوده، مجنون سکولاریسم را با معجون معنویت در شفاخانه دین معقول نموده، شفا داده‌اند و آنچنان تشت رسوایی شک نیاوردگان کرده یقین و ناآزمودگان فضول آیین عرفی مسلک را از بام حقیقت روحانی بر زمین واقعیت جسمانی فرو کوفته‌اند که صدا و ندای آن تا قیام قیامت از عرش لاهوتی تا فرش ناسوتی طنین انداز گشته است.

در این میان نقش و تأثیر ادیان الهی و خصوصاً اسلام عزیز و پیامبر اکرم (ص) و جانشینان بر حق و گرامی او برجسته‌ترین نقشه‌است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> «جاء الحقّ و زهق الباطل انّ الباطل کان زهوقاً» (اسراء/ ۸۱).

<sup>۲</sup> مصباح یزدی، محمدتقی، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۱۳.



بسیاری از سوره‌های قرآن کریم و احادیث شهادت می‌دهند که دین مبین اسلام در اساس با اصول اقدس و مبانی مقدس حقوق بشر از جمله کرامت و حیثیت و منزلت انسانی، بردباری، همبستگی و برابری یعنی همان اصولی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مستور و مستتر است، همخوانی تام و تمام دارد.<sup>۱</sup>

در اسلام انسان به تعبیر قرآن و بر اساس آیه «أَنْتِ جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»<sup>۲</sup> در جایگاه خلیفه الهی و وارث زمین است و به تعبیر الهیات مسیحی که می‌گوید:

God created man in his image<sup>۳</sup>

از حیثیت و منزلت خاصی برخوردار می‌باشد. پیامبران الهی، حقوقدانان رمی، متألهان مسیحی، مصلحان مسلمان و خیراندیشان تاریخ انسان نیز نهایتاً هر یک به عبارتی بر این معنا اشارتی نموده‌اند. مضامینی چون این بیت خورشید نشان سعدی شیرازی که با خامه زرین بر تارک تالار مجمع عمومی سازمان ملل متحد نقش بسته است<sup>۴</sup>:

بنی آدم اعضای یک پیکرند      که در آفرینش ز یک گوهرند<sup>۵</sup>

و یا این بیت نابغه‌ی نادره مولانا جلال الدین بلخی:

جان گرگان و سگان از هم جداست      متحد جان‌های شیران خداست<sup>۶</sup>

بر همین نهج اصول دین اسلام یعنی توحید، معاد، نبوت و همچنین در امتداد آن اصول مذهبی شیعی عدالت و امامت که با حیثیت فردی انسانی و همبستگی اجتماعی آدمیان رابطه‌ای ناگسستنی دارند، گنجینه‌های عظیمی محسوب می‌گردند که می‌توان بوسیله آنها به رویارویی با چالش‌های امروزین فراروی حقوق بشر پرداخت. چالش‌هایی که در جهان معاصر ورای فلسفه و مفاهیم حقوقی در حوزه تجربیات عملی با آنها روبرو هستیم.<sup>۷</sup>

۱. ر.ک. به: پیام خانم مری رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی مسائل حقوق بین‌الملل بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ۱۳۸۱.

۲. سوره بقره، آیه ۳۰.

۳. خلق الله آدم علی صورته؛ کتاب مقدس، سفر پیدایش

۴. ر.ک. امین، سید حسن، «هبانی و مفاهیم بنیادین حقوق بشر در شرق و غرب»، همان، صص ۳۲-۲۰.

۵. گلستان سعدی

۶. مثنوی معنوی

۷. ر.ک. به: پیام مری رابینسون، پیشین، با دخل و تصرف.

در این مقال و بر سبیل تدبیر و تحقیق بر خود واجب می‌دانیم نکاتی چند را در باب مبانی اخلاقی حقوق بشر اسلامی و عرفی، بر سیاق مخلصان نقاد و نه مفلسان مُنقاد متذکر و متفطن گردیم:

۱- تحولات همه جانبه در قرن اخیر و به ویژه ابداع فن‌آوری‌های نوین ارتباطی طی چند دهه گذشته، سبب گردیده تا جوامع انسانی بسیار به هم نزدیک گردند و اعضای خانواده جهانی را در چارچوب جامعه جهانی متشکل سازند. جامعه‌ای که در آن از شهروند جهانی سخن به میان می‌آید، شهروندی که خود را برای رسیدن به آرمان شهر جهانی بر اساس همکاری و همزیستی و بهزیستی مسالمت آمیز آماده می‌نماید. بدیهی است که همکاری در سطح جهانی، قواعد و نرمها و ارزشها و هنجارهای مشترک حقوقی و اخلاقی را طلب می‌کند که تمامی اعضای جامعه جهانی باید خود را بدانها پایبند دانسته و مشترکاً خود را ملزم به عمل بدانها در صحنه بین‌المللی بدانند.<sup>۱</sup>

مفاهیم بنیادین و اصول اساسی سازنده شالوده حقوق بشر همچون باور به حیثیت‌مندی و کرامت انسانی به منزله مخلوقی متفکر و متصرف در عالم و نیز برابری و تساوی ابناء بشر و وحدت عالمی و انسانی آدمی امروزه در تمام مکاتب فلسفی و اخلاقی و همه فرهنگها و تمدن‌ها و دین‌ها و نظامات بزرگ مترقی جهان قابل مشاهده و ملاحظه می‌باشد.<sup>۲</sup>

همانگونه که می‌دانیم حقوق بشر بین‌المللی صرف نظر از پیشینه‌ای که در ادیان و تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون دارد، پس از جنگ جهانی دوم و برای پی‌ریزی نظم جهانی نو با خصیلتی عرفی و سکولار پا به عرصه هنجارسازی بین‌المللی نهاد و از آن هنگام تاکنون، با عبور از مراحل مختلف و رویارویی با چالش‌های متعدد در دو سپهر نظر و عمل از کانونی‌ترین گفتمان‌ها در حوزه‌های گوناگونی چون فلسفه و به ویژه فلسفه اخلاق و فلسفه دین، حقوق، نظریه سیاسی، جامعه‌شناسی و کلام از یک سو و سیاست و دیپلماسی بین‌الملل از سوی دیگر بوده است.<sup>۳</sup>

---

۱ ر.ک. عراقچی، عباس، «بررسی تطبیقی اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی حقوق بشر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۵.

۲ ر.ک. امین، سید حسن، پیشین.

۳ مرکز مطالعات حقوق بشر، مبانی نظری حقوق بشر: مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، دانشگاه مفید، قم، ۱۳۸۴، ص ۱۵.

امروزه حقوق بشر عرفی و غیردینی به عنوان بخشی از نظم حاکم بر جامعه بین‌المللی به عنوان ابزاری جهت نظم بخشی به روابط موجود میان اعضای جامعه جهانی به گونه‌ای فزاینده از سوی مجامع جهانی با اقبال روبرو گردیده است و قواعد آن چنان خصلت آمرانه‌ای<sup>۱</sup> به خود گرفته‌اند که حتی اعتبار و مقبولیت جهانی کشورها نیز از آن ناشی می‌گردد.

۲- اما پرسش اساسی اینجاست که محتوای حق‌های مطرح در حقوق بشر عرفی، غیردینی و سکولار را که در حال حاضر جهانشمول، جهانگیر و فراگیر گشته‌اند، با چه مبانی اخلاقی و تئوریکی می‌توان توجیه نمود<sup>۲</sup> و آیا این مبانی تاب و توان پاسخگویی به نیازهای اخلاقی و حقوقی مردمان همه فرهنگ‌ها حتی فرهنگ‌های دینی را دارند و آیا نمی‌توان جهت توجیه حقوق بنیادین بشر به مبانی اخلاقی دینی متوسل گردید و حقوق بشر دینی را بنیان نهاد. در پاسخ به این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگری از این دست در عمر کوتاه گفتمان حقوق بشر چنان اختلافاتی بروز کرده است که برخی پرداختن به آن را بی‌ثمر دانسته‌اند<sup>۳</sup> و پاره‌ای نیز اصولاً در این میان منکر مفهومی به نام حقوق بشر شده‌اند و کوشش‌هایی را که برای یافتن مبنای اخلاقی واحد یا متعدد برای آن صورت پذیرفته یا می‌پذیرد را در عداد تلاش جهت علمی جلوه دادن جادوگری یا اثبات وجود اسب تک شاخ دانسته‌اند.<sup>۴</sup>

ما ضمن باور به انکارناپذیر بودن ضرورت پرداختن به اثبات<sup>۵</sup> امکان وجودی مبنایی اخلاقی برای توجیه حق‌های بنیادین بشری<sup>۶</sup> و رد دیدگاه منکران مفهوم حقوق بشر که تنها لزوماً یک مجموعه واحد از مبانی اخلاقی را در جغرافیای معرفت حقوقی برمی‌تابند و جستجو می‌کنند و چون- آن مبنا را نمی‌یابند- حکم به امتناع مفهوم حقوق بشر می‌دهند؛ و یا برخی اصحاب حقوق

---

<sup>1</sup> Jus Cogenes

<sup>2</sup> Cf Jerome, J. Shestack: "The Philosophical Fundamental of Human Rights", in Janusz Symonidesl (ed): Human Rights: Concepts and Standards, England, UNESCO 2000, P.205.

<sup>3</sup> Michael Freeman: "Philosophical Foundations of Human Rights", Human Rights Quarterly, 16, 1994, pp.491-514; Jerome Shestack, "The Philosophic Foundations of Human Rights", Ibid, Vol. 20, No.2, pp. 201-234.

<sup>4</sup> Alasdair Mac Intyre: *After Virtue*, University of Notre Dome Press, 1981.

<sup>5</sup> Cf. Alan Gewirth: *Human Rights, Essays on Juristification and applications*, University of Chicago Press, 1982.

<sup>6</sup> Fali. S. Nariman, *The University of Human Rights, The Review of International Commission of Jurists*, 1993, P.8.

بشر عرفی، غیر دینی و سکولار که به جدایی مطلق و بنیادین نهاد ارزش‌های اخلاقی عینی و دینی از مبانی حقوق طبیعی و فطری فتوا می‌دهد (و در نتیجه با فروگذار کردن مبنای عینیت‌گرایی<sup>۱</sup> حق مدارانه و اختیار ذهنیت‌گرایی<sup>۲</sup> خام اندیشانه و نسبیت‌گرایی<sup>۳</sup> تعصب‌آلود و سودانگاری<sup>۴</sup> منفعت طلبانه یک مبنای ذهنی، نسبی، وضعی، جعلی و فرضی را برای توجیه اخلاقی حق‌های بنیادین بشری اعتبار می‌کنند). مصرانه معتقدیم این مبانی از هر آبی که سیراب شده و در هر خاکی که رویده باشند گلی از گلستان حقوق بشر و سروی از بوستان اخلاقند، زیرا همگی دست کم بر حیثیت و کرامت آدمی و برابری و آزادی انسانی علی‌رغم وجود اختلافات اشتراک نظر و عقیده دارند.<sup>۵</sup>

۳- هر چند بحث ارتباط دین و اخلاق از گذشته‌های دور مورد توجه اندیشمندان بوده است، اما مسأله رابطه حقوق بشر به عنوان حقوقی اخلاق مدار اخیراً مورد توجه فیلسوفان و حقوقدانان قرار گرفته است. مایکل جی. پری<sup>۶</sup> در کتاب «اندیشه حقوق بشر: چهار جستار»<sup>۷</sup> پیرامون این ارتباط به طرح این نظریه می‌پردازد که حقوق بشر جز در منظومه اخلاقی- فکری دینی و نوعی از کیهان‌شناسی که جهان را هدفدار و معنادار می‌داند قابل توجیه نیست. به اعتقاد او اندیشه حقوق بشر که مبتنی بر قداست و کرامت انسانی است، لاجرم دارای خصلت دینیست و نمی‌تواند با مبنای سکولار توجیه شود. او معتقد است بدون ایمان به حقیقت هستی و تبیین جایگاه وجودی انسان در ارتباط با این حقیقت، مفهوم حقوق بشر از یک سو لبریز از ابهام خواهد بود و چارچوب مفهومی آن نخواهد توانست شفاف و روشن تبیین گردد و از سویی دیگر این مفهوم انسان را به مرتبه

---

1 Objectivism

2 Subjectivism

3 Relativism

4 Utilitarianism

۵ ر.ک.: نادران، چکر، «حقوق بشر در فرهنگ جهانی در حال ظهور فراسوی جهان شمول‌گرایی و نسبیت‌گرایی فرهنگی؛ به سوی

چارچوب مفهومی نو»، مترجم: بهروز جندقی، مبانی نظری حقوق بشر، پیشین، صص ۷۰۵-۷۲۶.

عنوان انگلیسی مقاله:

"Human Rights- In The Emerging Global Culture? Beyond Universalism and Cultural Relativism Toward A New Conceptual Framework" of Nader N. Chokr, Ph.D.

6 Michael J. Perry

7 Michael J. Perry: *The Idea of Human Rights, Four Inquiries*, The Oxford University Press, 1995.

موجودی صرفاً ذی حیات تقلیل و تحویل خواهد کرد که در نتیجه آن بسیاری از حقوق او نادیده گرفته می‌شود. ویلیام ارنست هاکنینگ<sup>۱</sup> فیلسوف و فیلسوف دین آمریکایی نیز در این باره معتقد است: ادعاهایی که نسبت به حقوق بشر وجود دارد، در صورتی که توسط نهادهای سیاسی بدون وجود یک روح یا روحیه مناسب به اجرا درآیند به ضرر جوامع بشری تمام خواهند شد. به نظر او این روحیه را تنها می‌توان با به کارگیری سنت‌های دینی بشر بدست آورد. سنت‌هایی که برای تفسیر مجدد منابع اصلی دینی بر پایه اخلاق و عدالت ضروری است.<sup>۲</sup>

۴- با تمام اختلاف نظرهایی که در رابطه با مبانی اخلاقی حقوق بشر چه در مبانی دینی و چه در مبانی عرفی در میان اندیشمندان حاکم است، مسلمانان بر این باورند که هدف دین اسلام تعالی و رشد انسان و تأمین رستگاری و نیکبختی او هم در دنیا و هم در آخرت می‌باشد. آنان قرآن را کتاب انسان‌ساز می‌دانند و لذا متفکران مسلمان، حقوق بشر برگرفته از مبانی اسلامی و قرآنی را متضمن حقوق کامل و شامل برای ابناء بشر می‌دانند. و هم از این روست که امروزه حقوق بشر یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در کشورهای اسلامی است. اگرچه این کشورها «منشور ملل متحد»، «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» و بسیاری دیگر از اسناد حقوق بشر را رسماً پذیرفته‌اند و بخش‌های مهمی از این اسناد بین‌المللی در قوانین اساسی آنها گنجانده شده است،<sup>۳</sup> اما با این حال نظام حقوق بشر در این کشورها چه در نظر و چه در عمل با پیچیدگی‌های خاصی مواجه است. از دیدگاه نظری از یک سو برخی از اصول اساسی و بنیادین این نظام (از قبیل تساوی حقوقی همه انسانها فارغ از جنس و مذهب و ...) معارض و متناقض با آموزه‌های دینی پنداشته می‌شود و از سویی دیگر، به لحاظ عملی نیز پاره‌ای از مواد اعلامیه و میثاقین و اصول مرتبط با آن که حتی بعضاً به قوانین اساسی این کشورها راه یافته است چندان جدی گرفته نمی‌شوند و قابلیت اجرایی نمی‌یابد. بنابراین بدیهی است که بحث از مبانی حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی در این جوامع که

---

<sup>1</sup> William Ernest Hocking

<sup>۲</sup> لنگهاوزن، محمد، «دین و حقوق بشر در اندیشه هاکنینگ»، مبانی نظری حقوق بشر، پیشین، صص ۵۲۲-۵۰۳. عنوان انگلیسی مقاله: "Religion and Human Rights in the Thought of W.E. Hocking".

<sup>۳</sup> ر.ک. مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و مواضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴، صص ۱۳۹. همچنین فیرحی، داوود، «اسلام و حقوق بشر: گزارشی نشانه شناختی»، مبانی نظری حقوق بشر، پیشین، صص ۴۳۷-۴۲۳.

ارض مقدس ایران نیز یکی از آن جوامع می‌باشد مسأله‌ای بسیار ضروری و در عین حال بس دشوار و چالش برانگیز است، مسأله‌ای که موضوع تحقیق حاضر می‌باشد.

در پایان این مقدمه پس از روشن شدن فضای بحث و مباحث پر اهمیتی که در این فضا وجود دارد، تبیین دوباره اهمیت موضوع و دلایل انتخاب آن چندان لازم و واجب به نظر نمی‌رسد. اما با این همه باید مؤکداً بیان نماییم دلیلی که ما را به سوی انتخاب این موضوع سوق داد، افزون بر دغدغه‌ها، آلام و احلام عقیدتی و ایمانی، شخصی و انسانی، ضعف ادبیات حقوقی و فلسفی- به زبان فارسی- در باب مبانی نظری حقوق بشر<sup>۱</sup> بود که امید است با توسعه تحصیلات تکمیلی بومی و بین‌المللی در رشته حقوق بشر در داخل کشور و تأسیس رشته حقوق بشر دینی، نه به عنوان رقیب و معاند، بلکه به عنوان رفیق و معاضد نهال نورسیده حقوق بشر عرفی<sup>۲</sup> رفع و مرتفع گردد. در پایان چه می‌توانیم امید داشت جز آنکه دست انابت به قصد اجابت به سوی بارگاه حق تعالی برداشته، اصلاح امور مدنی و تغییر حقوق بشری و ایمنی احباب و مهابت اعداء را به دعا از درگاه خدا خواستار گردیم.

ایمنی از تو مهابت هم ز تو

ای دعا از تو اجابت هم ز تو

مصلحی تو، ای تو سلطان سخن<sup>۳</sup>

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن

---

<sup>۱</sup> درست بر خلاف ادبیات حقوق موضوعه که بنا بر قول یکی از استادان معظم، علاوه بر تورم ریالی در سال‌های اخیر، مانند نظام بین‌الملل حقوق بشر دچار تورم هنجاری نیز گشته است.

<sup>۲</sup> شایان ذکر است که تا پیش از توقف پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی ارشد حقوق بشر در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه علامه طباطبایی(ره)، اساتید بلندمرتبت و برجسته حقوق کشورمان در ۴ دانشگاه معظم تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی(ره) و مفید در کار تعلیم و تنقید اصول و مبانی و اسناد آن معرفت حقوقی به دانشجویان خویش بودند و البته هنوز نیز این تعلیمات در آن سه دیگر پابرجاست.

<sup>۳</sup> مثنوی معنوی.

## بیان مسأله

با اینکه بحث مبانی اخلاقی حقوق بشر سالهاست که به عنوان یک ضرورت در محافل حقوقی و فقهی جوامع اسلامی رواج یافته و تحقیقاتی نیز در این زمینه انجام گرفته است، اما واقعیت آن است که اندیشه حمایت نظری و تئوریک از حقوق بشر بخصوص بنیانگذاری مبانی اخلاقی برای آن، در بستری عرفی، غیردینی و سکولار شکل گرفته است. در این راستا بزرگ‌ترین توفیقی که تا این تاریخ در طریق تأیید بین‌المللی حق‌های بنیادین بشری البته آن هم در بستری غیردینی نصیب آدمیان گشته است همانا صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد. هرچند باید تصدیق نمود مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری به نحوی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مندرج است، با این شکل و ترتیب، نه در دین اسلام و نه در هیچ یک از مذاهب دیگر، اعم از آسمانی و زمینی وجود ندارد، اما این پرسش همواره محل تأمل است که اگر از دیدگاه عرفی گرایان مبانی اخلاقی حقوق بشر متأثر از تأثیر و تأثرات آراء اخلاقی فیلسوف عالیقدری چونان امانوئل کانت آلمانی می‌باشد که بر مفهوم حیثیت و منزلت انسانی تأکید کرده، کرامت ذاتی آدمیان را به اختیار و اختیار و گزینشگری آزاد اخلاقی و عقلانی ایشان تحویل و تخفیف می‌نماید، چرا باید حتماً این فکر صواب را در بستر تفکری ناصواب و غیردینی و سکولار طرح و مطرح ساخت و بر رواج آن اهتمام و بر ترویج آن اقبال نمود.

حق‌های بنیادین انسانی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر که بر ستون وحدت نوع بشر بنیاد یافته است، نه تنها از منظری کل‌گرایانه و انسانی تناقضی با نگرش دین مبین اسلام نسبت به حقوق و ارزش‌های اساسی بشری ندارد، بلکه می‌توان گفت مستقیم یا غیرمستقیم برخاسته و برگرفته از مبانی اعتقادی و اخلاقی اصیل و الهی اسلامی می‌باشد. با توجه به خطابات عام قرآن شریف نسبت به آدمیان که با تعبیراتی مانند «یا ایها الناس»، «یا بنی آدم» و نظایر آن از طریق وحی بر پیامبر اسلام (ص) نازل گردیده است، این موضوع که در بینش توحیدی مجموعه انسانها به مثابه یک کل واحد و یک خانواده بشری می‌باشند را به وضوح می‌توان دریافت نمود.

آیه کریمه ۱۳ سوره حجرات که بیان می‌دارد: «یا ایها الانسان انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقکم» و همچنین سیره و سنت قولی و عملی معصومین علیهم‌السلام مانند این قول مشهور رسول اکرم (ص) که می‌فرمایند: «کلکم من آدم و آدم من

تراب» همگی می‌تواند به عنوان ادله مؤید و مؤید امکان وجودی ایجاد یک نظام حقوق بشری فراگیر، جهانشمول، عادلانه، عاقلانه و منصفانه در بستری دینی و با مبانی اخلاقی الهی محسوب گردد.

## سؤال های تحقیق:

### سؤال اصلی:

۱- مبانی اخلاقی حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی در چه مواردی با یکدیگر قابلیت سازگاری دارند؟

۲- آیا می‌توان از مبانی اخلاقی متفاوت حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی به حقوق یکسان و مشابه رسید؟

### سؤال فرعی:

۱- آیا مفهوم کرامت انسانی در حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی یکسان می‌باشد؟

۲- آیا در حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی، تفاوت در منبع، مآلاً تفاوت در قواعد را نیز به دنبال خواهد داشت؟

## فرضیه های تحقیق:

۱- مبانی اخلاقی حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی با یکدیگر متفاوت می‌باشند. در حقوق بشر عرفی این مبانی فردگرایانه و در اسلام الهی می‌باشند.

۲- از مبانی اخلاقی متفاوت در حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی می‌توان به حقوق یکسان و مشابه رسید.

۳- مفهوم کرامت انسانی در حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی یکسان نمی‌باشند.

۴- در حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی، تفاوت در منبع، مآلاً تفاوت در قواعد را تا حدودی به دنبال خواهد داشت.

## سوابق مربوط:

۱- کتاب حقوق بشر در جهان معاصر تألیف دکتر سید محمدقاری سیدفاطمی، کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی،



- ۲- کتاب حقوق جهانی بشر تألیف علامه محمدتقی جعفری تبریزی،
- ۳- کتاب فلسفه حقوق بشر نوشته حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی،
- ۴- کتاب حقوق بشر از دیدگاه اسلام و سایر مکاتب، تألیف سیدصادق حقیقت و سیدعلی میرموسوی،
- ۵- پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مبانی اخلاقی حقوق بشر در نهج البلاغه» دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین ۱۳۹۰.
- ۶- پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی تطبیقی اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی حقوق بشر در دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ۱۳۷۰.
- ۷- پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان کرامت انسان در اسلام و حقوق بشر، دانشگاه علوم رضوی مشهد، ۱۳۸۸.

## اهداف تحقیق

- ۱- شفاف سازی مبانی اخلاقی حقوق بشر در اسلام و غرب.
- ۲- ارائه مبانی اخلاقی مشترک جهت وحدت بخشی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب و برجسته نمودن اشتراکات مبنایی.

## سازماندهی تحقیق

این تحقیق از سه بخش تشکیل شده است. در بخش اول ابتدا با بررسی معنای حق، و تحلیل ماهیت آن در حقوق بشر عرفی به مفاهیم «حق داشتن» و «حق بودن» خواهیم پرداخت و سپس با مطالعه مبانی فکری تفکر حقوقی سکولار یا عرفی مانند عقلگرایی و فردگرایی به واکاوی نظریات حقوق طبیعی و قراردادمداری به عنوان مبانی اخلاقی توجیهی حقوق بشر عرفی خواهیم نشست و در پایان نیز با مطالعه مناشی، منابع و اسناد حقوق بشر عرفی از جمله اعلامیه مسئولیت جهانی بشر بحث خود را به پایان خواهیم برد.

در بخش دوم در آغاز با ارائه تعریفی مختار از حق ضمن بررسی مفاهیم تکلیف، حکم و مُلک، با تحلیل ماهیت حق، به بیان اصول و مبانی اساسی حقوق بشر اسلامی خواهیم پرداخت و آنگاه با مطرح

نمودن «حق الله» به عنوان منشأ حق‌های بنیادین بشری در حقوق بشر اسلامی و سپس معرفی اسناد و منابع حق در نظام حقوق بشر اسلامی این بخش را نیز به اتمام می‌رسانیم.

در بخش سوم، نخست چهار حق بنیادین حیات، آزادی، برابری و مالکیت را در بستر دو تفکر عرفی و اسلامی مطالعه نموده و سپس با بررسی تطبیقی مواد دو اعلامیه اسلامی و جهانی حقوق بشر و ارزیابی اشتراکات و اختلافات میان قواعد آنها، سخن خویش را خاتمه خواهیم داد.

## تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی تحقیق

**مبانی اخلاقی حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی:** عبارتند از گزاره‌های اخلاقی که دارای نسبت پیشینی با احکام حقوقی می‌باشند. در حقوق بشر اسلامی منبع این گزاره‌ها عقل و وحی و مبنای آنها الهی و در حقوق بشر عرفی منبع عقل فارغ از وحی و مبنای فردگرایانه می‌باشد.

**حقوق بشر عرفی:** مهم‌ترین اسناد آن تحت عنوان منشور جهانی حقوق بشر شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که به ترتیب در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ و ۱۹۶۷ میلادی به تصویب رسیده است که ایران نیز از امضاءکنندگان این اسناد می‌باشد.

**حقوق بشر اسلامی:** که مهم‌ترین سند حقوقی آن در سال ۱۹۹۰ میلادی در نوزدهمین اجلاس وزرای خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره تحت عنوان «اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام» به تصویب رسیده است.

# بخش اول: مبانی اخلاقی حقوق بشر عرفی

---

## مقدمه

اصطلاح «حقوق بشر» با معنایی که ما از آن می‌شناسیم، حتی در سنت اندیشه و حقوق بشر عرفی، غیردینی و سکولار هم سابقه تاریخی چندانی ندارد. اگر ما مثلاً کتب بزرگ‌ترین فیلسوف عصر روشنگری یعنی کانت را در قرن ۱۸ که بیش از هر فیلسوف دیگری انسان و کرامت او را ملاک و مبدأ اخلاقی حقوق بنیادین بشری قرار می‌دهد، در جستجوی این اصطلاح بررسی کنیم، اثری از تعبیر «حقوق بشر» در آنها نمی‌یابیم.<sup>۱</sup> واقعیت آن است که این اصطلاح مولود تحولاتی است که در عصر روشنگری در کشور فرانسه بوجود آمد و از آن روی که تولد آن در بستر یک نهضت اجتماعی سیاسی بوجود آمده، نمی‌توان آن را بدون توجه به مضمون سیاسی و یا اجتماعی آن تصور نمود. اما به هر روی همین اصطلاحی که در غرب رشد یافته امروز به معرفتی مبدل گشته که دارای مبانی توجیهی و اخلاقی نسبتاً مستحکم عرفی، غیر دینی و سکولار در باب حقوق و آزادی‌های مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و بسیاری حقوق دیگر می‌باشد که شناخت دقیق و علمی این مبانی می‌تواند جهت فهم هرچه بهتر این حقوق و آزادی‌ها بدون هرگونه پیش فرضی در بستر بینش اسلامی و پی‌ریزی نظام حقوق بشر اسلامی و تعامل و گفتگوی سازنده میان اسلام و غرب راه‌گشا باشد. به هر روی در این بخش ما به بررسی مبانی اخلاقی نظام حقوق بشر عرفی یا غیردینی و سکولار خواهیم پرداخت. نظامی که به ادعای بنیانگذارانش هدف از آن، حمایت حقوقی از افراد و گروه‌هایی است که حقوق و آزادی‌های اساسی آنها که در حقوق بشر عرفی تضمین شده است، به وسیله دولت‌هایشان نقض می‌شود و رعایت نمی‌گردد.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> Burns Weston: "Human Rights" in 20 New Encyclopedia, Brit, 15<sup>th</sup> Edition, 1992.

<sup>۲</sup> ر.ک: مهرپور، حسین، *نظام بین‌المللی حقوق بشر*، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۹.